

خوانشی از تجربه شهری در خیابان‌های استانبول تا پرسه‌زنی ذهنی در خیابان‌های تهران نمونه موردی: استقلال استانبول، لاله زار تهران

مجید منصور رضایی*^۱، آتوسا مدیری^۲

^۱ کارشناس ارشد طراحی و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز، تهران، ایران.

^۲ استادیار دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز، تهران، ایران.

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۲/۱۰/۳، تاریخ پذیرش نهایی: ۹۲/۱۲/۲۴)

چکیده

شهر، حاصل برآیند عوامل عینی و ذهنی در بستر تجربه‌های روزانه است، امری که "لفور" از آن تحت عنوان «کنش فضایی» یاد می‌کند. مادامی‌که مابین این عینیت‌ها و ذهنیت‌ها، قرابت وجود داشته باشد، امکان خوانشی ساختارمند از شهر میسر است. انسان در ارتباطی دیالکتیکی از یکسو جهت حضور نیازمند زمان بوده (تجربه) و از دیگر سوی، زمان (خاطره) را برمی‌سازد. «مکان»‌ها به عنوان جایی که توامان نیازمند «انسان» و «زمان»‌اند، پیونددهنده این دو بوده و تجربه و خاطره را از تجرید ذهن به عینیت بدل می‌نمایند. از این رو هدف نوشتار، «روشنگری در خصوص چگونگی قرابت و افتراق عینیت‌ها و ذهنیت‌ها در شهرهای معاصر است». به این سبب روایتی از داستان سرگذشت و جایگاه دو متن در دو شهر تهران و استانبول به عنوان شهرهای جنوبی و با وجود اشتراکات فرهنگی، تاریخی و مذهبی با روش کیفی مورد بررسی قرار گرفته شد. نتایج نوشتار با گذار از معرفی تفاوت مکان‌های مورد بررسی و اثرگذاری متفاوت آنها در ساخت و تقویت جریان زندگی روزمره در دو شهر، این تفاوت‌ها را حاصل پراکسیس فضایی متفاوت به سبب قرائت‌های گوناگون از جریانات و مفاهیمی چون مدرنیته، قدرت و ایدئولوژی حاکم بر تولید و بازتولید فضا در دو شهر می‌داند.

واژه‌های کلیدی

خیابان، زندگی عمومی، حوزه عمومی، خوانش شهر، ذهنیت اجتماعی.

مقدمه

گفتمان‌هایی که بی‌توجهی به آنها در نگاه اول ریشه در حذف و عدم تولید مکان‌ها- فضاهای عمومی- در شهر دارد. اما با آگراندیسمان قراردادن موضوع، ریشه این بی‌توجهی را باید از دل پارادایم‌های فکری قدرتمندی چون **کسب منفعت اقتصادی** بیشتر تا مفهومی چون **تقابل سنت و مدرنیته** رهگیری نمود. نوشتار حاضر، نقبی به لایه‌های عمیق تفکری جامعه و تلاش جهت روشنگری در خصوص چگونگی مواجهه شهر تهران با «زندگی عمومی»^۱ منبعث از «حوزه عمومی»^۲ در «فضاهای عمومی»^۳ شهر است.

از این رو، جهت اجتناب از توصیف صرف نگارندگان در حمایت یا عدم حمایت تهران از مفاهیم ذکر شده با بهره‌گیری از روش مقایسه‌ای، دو شهر - تهران و استانبول^۴ - به سبب وجود اشتراکات فرهنگی، تاریخی و مذهبی - به مثابه متن^۵ مورد خوانش قرار گرفتند تا فارغ از هرگونه پیش‌داوری و از خلال مقایسه دو شهر، چگونگی قرابت و افتراق عینیت‌ها و ذهنیت‌ها در دو شهر خود را نمایان سازند.

به سبب ماهیت نوشتار؛ از روش تحقیق کیفی با تاکید بر رویکرد «پدیدارشناسی»^۶ در روایت دو متن بهره برده شد. چراکه «پدیدارشناسی» مطالعه ماهیت‌ها بوده و هدف اصلی آن، روشنگری مستقیم و بی واسطه در خصوص پدیده‌ها است (پرتوی، ۱۳۸۶ و ۱۳۸۷، ۸۶).

در یک تقسیم‌بندی کلی، پدیدارشناسی دارای سه رویکرد متمایز «اول شخص»^۷، «اگرنیستانسیال»^۸ و «هرمنوتیک»^۹ است که در نوشتار حاضر، از «رویکرد اول شخص» آن و در قالب ۴ مرحله استفاده شد (پرتوی، ۱۳۸۷، ۱۶۹):

- نگرستن نگارندگان از بیرون به موضوع، بدون آنکه خود آنها دیده شوند؛
- حضور نگارندگان در محل به صورت غیرفعال، بدون جلب توجه و تعامل با ساکنان و استفاده‌کنندگان از فضا؛
- تعامل محدود و مداخله نگارندگان صرفاً در مواردی که وضوح بخشی به اقدامات مورد نظر نیاز گردد؛
- مشاهده توأم با مشارکت به معنی حضور فعال نگارندگان در فضای مورد بررسی؛

ادعای "ژان ژاک روسو"^{۱۰} به عنوان یک متفکر سده ۱۸ میلادی با مضمون «این خانه‌ها نیستند که شهر را می‌سازند، بلکه شهروندان هستند»، در سده ۲۰ و ۲۱ میلادی بارها و به انحای مختلف توسط متخصصان و کارشناسان طراز اول حوزه شهرشناسی جهان مورد تصدیق قرار گرفته است.

بطوریکه "یان گل"^{۱۱} (۲۰۰۲) بیان می‌دارد: مهم‌ترین بخش قرائت شهر، نه بر مبنای بناهای عظیم و ساختمان‌های بلندمرتبه آن، بلکه براساس **حضور** پویا و هیجان انگیز مردم در فضاهای عمومی است که شکل می‌گیرد. حضور پویایی که "گرمونا"^{۱۲} (۲۰۰۳) آن را منوط به **فضاهای** مناسب و دعوت‌کننده در شهرها دانسته و "الدنبرگ"^{۱۳} (۱۹۸۹)، این فضاها را به عنوان مهم‌ترین عاملی که شهرها از روی آنها مورد قرائت قرار می‌گیرند، معرفی می‌دارد.

امروزه بسیاری از شهرهای جهان چون لندن، پاریس، توکیو، استانبول، بارسلون، کپنهاگ و نیویورک در سال‌های اخیر پس از دهه‌ها تلاش جهت توسعه صنعتی و اقتصادی، درصد چرخش فرهنگی به سمت و سوی شهرهای خلاق^{۱۴} هستند (برگرفته از: فاضلی، ۱۳۹۲، ۱۲۵). شهرهایی که در پی تحقق این جمله هانری "لوفور"^{۱۵} اند که: «شهرهای معاصر معنی خود را وام‌دار ساخت بزرگراه‌ها، آسمان‌خراش‌ها، تونل‌ها، پارک‌ها، بناهای مختلف یا تمرکز بیشتر جمعیت در شهرها نبوده، بلکه شهرها می‌باید از ظرفیت‌های لازم برای تقویت حضور جامعه و رشد فرهنگ برخوردار باشند» (Elden, 2006, 37). از جمله ظرفیت‌هایی که لفور به آنها اشاره دارد، «فضاهای عمومی» است. فضاهایی که در مقام یک مکان، متن و محرک، هر روزه مفاهیم، تجربیات، خاطرات و واحد پایه زندگی عمومی شهرها به شمار می‌آیند و در ساحتی دیگر، به خلق و تولید ذهنیت مشترکی از قواعد زندگی اجتماعی، بازتاب عقاید و ارزش‌های شهر و جامعه و برساخت فرهنگ کمک می‌رسانند (برگرفته از: Madanipour, 2010, 1-5).

تهران به عنوان کلانشهری که می‌کوشد تا برای خود هویتی شاخص در منطقه و جهان کسب نماید، عرصه بحث‌برانگیزی در خصوص عدم توجه به چنین «گفتمان‌های شهری»^{۱۶} است.

۱- تعاریف و مفاهیم

۱-۱- پرسه زنی در خیابان از فضای عمومی تا حوزه عمومی

این فضاها برای همگان، خیابان‌ها را به ناب‌ترین شکل «فضاهای عمومی» بدل نموده است (Carmona et al, 2003, 134). که در هر دو معنای واقعی و استعاره‌ای خود، نماد اصلی تقویت «حوزه عمومی» شناخته می‌شوند (Jacobs, 1993; Rudofsky, 1969; Jacobs, 1961).

در میان گونه‌های متنوع فضاهای عمومی، می‌باید به **خیابان** به عنوان فضایی که امروزه در ادبیات معاصر شهرشناسی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، اشاره نمود. قابلیت دسترسی عمومی به



تصویر- پرسه‌زنی در شهر.

همانند آنچه که در خصوص؛

برلین، برای گئورگ زیمل

سن پترزبورگ، برای داستایفسکی یا نیکلای گوگول

پاریس، برای والتر بنیامین یا شارل پی بربودلر

لندن، برای چارلز دیکنز

استانبول، برای اوراحان پاموک

نیویورک، برای جین جیکوبز، مارشال برمن یا وودی آلن

و تهران برای محمدعلی سپانلو اتفاق می‌افتد.

در این نوشتار دو خیابان استقلال در استانبول و لاله‌زار در تهران در
مقام ابژه‌های مورد مذاقه طرح گشته‌اند.

۲- معرفی دو خیابان، دوزندگی

این امر به روشنی واضح و مبهرن است که هر جامعه‌ای
مبتنی بر عوامل چند بعدی مسلط بر خود، پا به عرصه فضا
نهاد و استفاده‌های خاص خود از فضا را می‌نماید. ایران و
ترکیه به عنوان دو کشور جنوبی^{۳۱} (جابری مقدم، ۱۳۸۴، ۲۶۰)،
در محور زمان به واسطه یکی بودن دیروز و هم مرز بودن امروز
ریشه‌های فرهنگی - اجتماعی - تاریخی - ایدئولوژی مشترک
فراوانی را دارا هستند.

در بررسی تاریخ مدرنیزاسیون دو کشور که با اندک تفاوتی در یک
دوره زمانی آغاز می‌گردند و رخت دست دومی از مدرنیته را به تن
جامعه و شهرهای خود می‌کشند، به شباهت‌ها و تفاوت‌های
قابل تاملی برمی‌خوریم که هر یک اثر و نشان خود را بر فضا و حوزه
عمومی دو کشور نهاده‌اند. نوشتار با واگذاشتن بحث رویدادهای
تاریخی به مورخان تلاش دارد تا روشنگری را در خصوص چگونگی
کارکرد «حوزه عمومی» برآمده از «خیابان»‌ها در دو شهر تهران و
استانبول از دید یک پرسه زن شهری ارایه نماید.

دو شهر منتخب را باید شهرهایی معرفی نمود که بیشترین مظاهر
مدرنیته در دو کشور در آنها پا به منصه ظهور نهاده‌اند و عنصر
«خیابان» به شکل امروزی خود در آنها محصولی از مدرنیته
است. بطوریکه در استانبول، خیابان «استقلال» و در تهران،
خیابان «لاله‌زار» را باید **دروازه‌های ورود مدرنیته** به دو جامعه
معرفی نمود که امروزه هر یک زندگی دگرگونه‌ای را تجربه می‌کنند.

(Chekki, 1994; Lofland, 1998).

از لحاظ تاریخی، خیابان‌ها در شهرهای کوچک و بزرگ به
عنوان فضاهایی برای تامین نیازهای اساسی بقاء، تعاملات،
ارتباطات، فراغت و نیز انجام فعالیت‌های مختلف سیاسی،
مذهبی، تجاری، مدنی و اجتماعی مورد استفاده قرار می‌گرفت
(Roudofsky, 1969, 102; Lofland, 1998, 64). امروزه، در جوامع توسعه
یافته، بسیاری از این عملکردها به حوزه‌های خصوصی، مجازی و یا به
دیگر فضاهای عمومی منتقل گشته‌اند (Oldenburg, 1989, 53).

با این حال، بویژه در مراکز شهر و محلات مختلط، مردم هنوز به
خیابان‌ها برای فعالیت‌های عملکردی، اجتماعی، فراغتی، خرید،
بازی، نشست و تعامل با دیگران و حتی آرامش وابسته بوده (Jacobs,
1961, 117; Appleyard, 1981, 59; Gehl, 1987; Carmona et al, 2003)
و حکومت‌های محلی نیز توجه ویژه‌ای را به این خیابان‌ها دارند.
پژوهشگران حوزه‌های شهری معتقدند، برخورد صحیح با خیابان
می‌تواند در مقیاس بزرگ‌تر برخورد درست با شهر و مهم‌تر از آن،
ساکنان شهر را سبب سازد (Jacobs, 1993, 29-35). مقایسه تعاریف
خیابان در محور زمان، حکایت از بازتعریف و اهمیت یافتن ویژه «ابعاد
اجتماعی خیابان‌ها» از منظر «فضاهای عمومی» در دهه‌های اخیر
دارد. در تصدیق این گفته باید به قدرت یافتن کارکرد حمایتی خیابان
در بسط و توسعه مفاهیم اجتماعی چون؛ شبکه‌های اجتماعی^{۳۲}،
عرصه‌های عمومی^{۳۳}، پاتوق‌ها^{۳۴}، ارزش‌های اجتماعی^{۳۵}، جامعه
مدنی^{۳۶}، زندگی روزمره^{۳۷}، پرسه‌زنی^{۳۸}، نظارت عمومی^{۳۹} و مقاومت^{۴۰}
در سال‌های اخیر اشاره نمود. (برگرفته از: فکوهی، ۱۳۸۶، ۳۱۶-۳۱۲)
مفاهیمی که در مبانی نظری خود، از خیابان به عنوان یک فضای
عمومی حائز اهمیت یاد می‌کنند. از پیشگامان نظریه‌پردازی در
خصوص مفاهیم یاد شده می‌توان به زیمل، بودلر، بوردیو، بنیامین و
هابرماس اشاره نمود. بطوریکه:

زیمل^{۴۱}: از عقلانی‌تر شدن آدم‌ها و روابط انسانی به واسطه خیابان‌های
شهری گوید (برگرفته از زیمل، ۱۳۸۵).

بنیامین و بودلر^{۴۲}: به پرسه‌زن (فلانور) اشاره دارند که برای حضور و
مکث خود وابسته به خیابان است (برگرفته از: کاظمی، ۱۳۸۷).

هابرماس^{۴۳}: به ارتباط فضای عمومی (خیابان) با **حوزه عمومی** که
کارکرد آن برقراری و جاری ساختن ارتباطات فعالانه و گفت و گو است،
اشاره می‌کند (برگرفته از: هابرماس، ۱۳۸۶).

بودلر^{۴۴}: نشان می‌دهد که چگونه تجربه مدرنیته با تولد بلوارها و
خیابان‌ها ممکن شده (برگرفته از: برمن، ۱۳۸۱) و در مقاله «پرسه‌زن»^{۴۵}،
راه رفتن در خیابان را الهام بخش خیال‌پردازی‌هایی می‌داند که
انگیزه‌هایی را به فرد داده (برگرفته از: فاضلی، ۱۳۹۲) و به عنوان ابزاری
برای نقد مدرنیته شناخته می‌شود. از این رو پرسه‌زنی در «خیابان»
می‌تواند دنیایی را که خیابان در متن آن هستی یافته باز نماید.

پرسه‌زنی تنها به قدم‌زنی در خیابان‌ها محدود نبوده بلکه
شیوه‌ای از تفکر فلسفی و زندگی به شمار می‌آید (برگرفته از:
کاظمی، ۱۳۸۷، ۴۳)، که از پس عینت‌های موجود و ذهنیت‌های
جاری، امکان خوانش شهر و جامعه شهری را میسر می‌سازد.
خوانشی که از پس آن، شهر می‌تواند در مقام یک ابژه و در قالب
مازادهایی توسط پرسه‌زن بازتاب یابد.

۲-۱- استقلال

با اشغال کنستانتینول در سال ۱۲۶۱ میلادی توسط لاتین‌ها منطقه‌ی گالاتا به جمعیتی خودمختار از اهالی جنوا واگذار گردید. پس از تسلط عثمانی‌ها در ۱۴۵۳ میلادی، این منطقه به محله اروپایی نشین قسطنطنیه بدل می‌گردد که ساکنان آن را تجار و سفرای خارجی، یهودیان اخراجی از اسپانیا، تبعیدیان مراکشی و یونانی و ارمنی‌ها شکل می‌دادند (Girardelli, 2012, 5).

در ابتدای قرن ۱۷ میلادی با افزایش جمعیت گالاتا، تعداد زیادی از ثروتمندان جامعه به سمت شمال، یعنی تپه‌های «پرا» جابجا و عمارت‌های وسیع و بزرگی را در آن بخش از استانبول بنا می‌نمایند (پاموک، ۱۳۹۱، ۵۳).

در قرن ۱۹ میلادی، گالاتا به سبب رونق مراودات خارجی و تجارت خود، توسعه چشمگیری می‌یابد. محور اصلی منطقه که در این دوره به نام «خیابان بزرگ» شناخته می‌شود، محوری سنگفرش با بناهایی واجد ارزش با معماری‌های تلفیقی عثمانی، نئوکلاسیک و نئوگوتیک است که مسافران اروپایی، کنسولگری‌ها و قشور متمول و روشنفکران عثمانی را به خود جلب می‌کند (Ervin, 2013, 29).

عناصر مدرنی چون دبیرستان گالاتاسرای، پاساژ سیتیه دوپیرا، پراپالاس هتل، تئاترها، رستوران‌ها و دیگر ساختمان‌های بورژوازی در خیابان جای می‌گیرند و رفتارهای چون نقادی و پرسه‌زنی را رواج می‌دهند به طوری که اروپاییان از شهر به عنوان پاریس شرق یاد می‌کردند که در آن امتزاجی از فرهنگ نیمه آسیایی (سنت) و اروپایی (مدرنیته) وجود داشت. در دهه ۷۰ قرن ۱۹ میلادی، بخش عظیمی از منطقه که دارای بافت متراکمی از خانه‌های چوبی بود، در آتش‌سوزی تخریب می‌گردد. در پی تخریب حاصل از آتش‌سوزی و درخواست عمومی برای نوسازی منطقه از مصالح سنگی که از لحاظ سبک و ابعاد از منومان‌های بیزانترین و عثمانی تبعیت می‌نمود، استفاده شد (Aduan, 2011, 13).

با آغاز قرن ۲۰ میلادی، مظاهر نوینی از مدرنیته چون تراموای برقی (۱۹۱۳ میلادی) به خیابان راه می‌یابند. همچنین سبک «هنر نو» نیز می‌تواند جای خود را در میان معماری‌های ابنیه خیابان باز نماید. با اعلام حکومت جمهوری در سال ۱۹۲۳ میلادی، خیابان به پاسداشت پیروزی در جنگ استقلال به «استقلال»

تغییر نام می‌یابد (Ervin, 2013, 52).

با پایان جنگ و گسترش ناسیونالیسم، بسیاری از غیرمسلمانان از جمله شهروندان یونانی و یهودیان از منطقه اخراج می‌گردند. همچنین با گسترش روند شهرنشینی، استانبول توسعه یافته و مناطق جدیدی در آن با خدمات نوینی شکل می‌گیرد که موجبات مهاجرت بسیاری از ساکنان اصلی منطقه به مناطق جدید را فراهم می‌سازد.

در نتیجه منطقه گالاتا به تدریج به محل اسکان فقیران و مهاجرانی که در روند سیر شهرنشینی به استانبول مهاجرت نموده‌اند، بدل می‌شود.

در پی تغییرات مذکور، منطقه با افت کارکردی، عملکردی، هویتی و تخریب و تغییر کاربری ابنیه‌ی خود مواجه و قمار، فحشا و مشاغل غیرقانونی در سطح منطقه که در این دوره به «بی‌اغلو» تغییر نام یافته است، گسترش می‌یابد (Kacabicak, 2003, 8). در دهه‌ی ۸۰ میلادی، دیگر هیچ نام و نشانی از خیابان استقلال به عنوان خیابانی پرشکوه و با هویت در استانبول نیست و خیابان به عنوان معبری مشکل‌دار با فعالیت‌های انباری و کارگاهی است که شناخته می‌شود.

با شروع دهه ۹۰ میلادی، روزنه‌ی امید برای بازگشت خیابان به شهر به مدد گسترش موج جدیدی از آگاهی‌رسانی‌های غیررسمی و خودانگیخته توسط طبقه روشنفکر جامعه ترک نسبت به گذشته خیابان به وجود می‌آید که با تشویق و مساعدت مدیریت شهری استانبول مواجه می‌گردد. مدیریت شهری با همکاری گروه‌های دانشگاهی و با دعوت از مشارکت مردم، خیابان را مورد نوسازی و احیاء قرار می‌دهد. طبقه همکف بسیاری از ساختمان‌ها بازسازی می‌شود و با تشویق‌های حکومت محلی، بستر حضور و فعالیت کاربری‌های متنوع و سازگاری با هویت خیابان چون رستوران‌ها، سینماها، کتاب‌فروشی‌ها، گالری‌ها و کافه‌ها مهیا می‌گردد. تراموای برقی خیابان استقلال به عنوان نماد هویتی خیابان، بار دیگر در سال‌های میانی دهه ۹۰ میلادی راه اندازی می‌شود و استقلال جاده‌سی بار دیگر به خیابانی پرشکوه برای حضور، مکث و پرسه‌زنی بدل می‌گردد که بر طبق آمار شهرداری استانبول (۲۰۱۰)، سالانه پذیرای هفت میلیون توریست خارجی است (Aduan, 2011, 4).



تصویر ۳- حضور خیابان در زندگی روزمره شهر استانبول.



تصویر ۲- حفظ کلیت خیابان استقلال در قبل و بعد از اصلاحات برآمده از مدرنیزاسیون در ابتدای قرن ۲۰ میلادی.

۲-۲- لاله زار

در سال ۱۱۶۵ ه. ش (۱۷۸۶ م)، آقامحمدخان به حکومت می‌رسد و تهران را به عنوان پایتخت سلسله قاجار برمی‌گزیند. در این دوره، ساختار شهر با مساحتی در حدود ۴ کیلومتر همان تهران به جای مانده از شاه سهماسب صفوی، شامل ارگ حکومتی در ضلع شمالی، محور بازار، مسجد جامع و شاه و پنج محله مسکونی^{۳۳} است (شهری، ۱۳۶۹، ۶۴). در بخش شمال شرقی و بیرون از حصار شهر که معروف به «دارالخلافت تهران» بود، باغ بزرگی به نام «باغ لاله‌زار» وجود داشت که مرکز تفریح و استراحت درباریان و مهمانان قاجار بود (پولادوند، ۱۳۸۹). با شروع سلطنت ناصرالدین شاه (۱۲۲۷-۱۲۷۵ ه. ش)، نخستین کوشش‌ها جهت توسعه تهران آغاز می‌گردد. ناصرالدین شاه در سال ۱۲۵۲ ه. ش (۱۸۷۳ م)، برای اولین بار به اروپا سفر و پس از بازگشت به تهران، تصمیم به ایجاد تغییرات ساختاری در شهر مبتنی بر الگوی شهرهای پاریس و لندن می‌گیرد (تکمیل همایون، ۱۳۷۷). از این رو، دستور برنامه‌ریزی و طراحی شهر جدید تهران به سال ۱۲۵۶ ه. ش (۱۸۷۸ م) در دستور کار قرار گرفته و زیر نظر صدراعظم، «مسیو بهلر» به عنوان مسئول تهیه طرح توسعه تهران انتخاب می‌گردد. مبتنی بر طرح مسیو بهلر، شهر در قالب یک هشت ضلعی با باروهای مبتنی بر الگوهای رنسانسی و باروکی تهیه و تهران از ۴ کیلومتر به ۱۹ کیلومتر می‌رسد (برگرفته از: حبیبی، ۱۳۸۳).

ساخت میدان توپخانه (۱۲۶۰ ه. ش) در تهران، اولین محصول تغییرات ناصری در شهر بود که توسط محمد ابراهیم معماری بنا شد. میدانی که از آن به عنوان نماد سبک تهران یاد می‌گردد (محمدزاده، ۱۳۸۲). دیگر تجلی کالبدی تجددگرایی ناصری با ساخت خیابانی بر طبق نقشه‌ای از نجم‌الملک به سال ۱۲۷۰ ه. ش (۱۸۹۱ م) است که عینیت می‌یابد. خیابانی در جبهه غربی باغ لاله‌زار تازه وارد شده به شهر از حد فاصل بخش شمال شرقی میدان مدرن و تازه تاسیس «توپخانه» به



تصویر ۴- خیابان لاله‌زار در اوایل دوره پهلوی اول.

سمت دیوارهای شمالی شهر که با نام «خیابان لاله‌زار» خوانده می‌شود. خیابانی که بستر حضور انسان تجددخواه ایرانی و کاربری‌ها و فعالیت‌های پشتیبان از این تفکر در شهر را فراهم می‌سازد. کاربری‌هایی چون اولین گل فروشی، اولین هتل، اولین رستوران، اولین کافه، اولین خشکشویی، اولین سینما، اولین نمایندگی برندهای معتبر جهانی، ... (برگرفته از: شهری، ۱۳۸۳ و پولادوند، ۱۳۸۹).

بدنه خیابان از ساختمان‌هایی با کارکرد مختلط که عموماً مغازه‌ها در طبقه همکف و فعالیت‌های اداری، تولیدی و مسکونی در دو تا سه طبقه بالایی بودند، شکل می‌گرفت. به مدد سنگفرش خیابان و رونق فعالیت‌های متنوع و ظهور عناصر جدیدی در خیابان چون عکاسخانه، تئاتر، سینما، هتل^{۳۴}، کافه و خط واگن، «لاله‌زار» به بهترین خیابان دارالخلافت بدل می‌گردد (پولادوند، ۱۳۸۹، ۸۵).

در این دوره، «لاله‌زار» خیابانی است که به عنوان تنها خیابان تفریحی شهر پذیرای مظاهر دنیای مدرن و انسان‌هایی بود که خواهان تفریح، پرسه‌زنی، آشنایی و تجربه این مظاهر بودند (برگرفته از: نیکروح، ۱۳۹۱، ۱۲). با آغاز دوران مشروطیت، بسیاری از ایرانیان مقیم اروپا و روسیه به تهران بازمی‌گردند (میرسپاسی، ۱۳۸۴، ۱۱۳). در این دوره، «لاله‌زار» به محل حضور افراد مرفه و روشنفکری درآمد که خیابان را به یکی از مهم‌ترین مراکز تجمع و مبارزه علیه استبداد بدل نمودند، به طوری که در هر گوشه از این خیابان، عده‌ای مشغول گفتگو، مناظره و چاپ روزنامه^{۳۴} بودند (برگرفته از: نجمی، ۱۳۶۲).

با شروع سلطنت رضا شاه پهلوی و دوران شهرداری تیمسار بوذرجمهری، «لاله‌زار» در امتداد شمالی خود از سر خیابان شاه‌آباد (جمهوری) تا شاه‌رضا (انقلاب) توسعه و «لاله‌زارنو» شکل می‌گیرد (تحلیل دو نقشه دارالخلافت ناصری و تهران، ۱۳۰۹). در این دوره، ساختمان‌های ارزشمندی که نماینده معماری مدرن جهان بودند، توسط معمارانی بنام در «لاله‌زار نو» بنا گردید. معمارانی که متأثر از جریانات فکری معماری آن‌روز جهان بودند (ولی‌زاده ارجمند، ۱۳۸۷، ۶۷). در این دوره برای اولین بار کافه‌نشینی در خیابان لاله‌زار با حضور افراد سرشناسی چون صادق هدایت، مجتبی مینوی، بزرگ علوی و صادق چوبک رونق یافت که کارکرد ویژه‌ای را به این محور می‌بخشد (منصور رضایی، ۱۳۸۹). با شروع دوره پهلوی دوم، لاله‌زار بیش از هر زمان دیگری شاهد پویایی حیات شهری است. رونق سینماها، تئاترها، فروشگاه‌های آلامد و کافه‌های روشنفکری، لاله‌زار را در این دوره به مکانی برای رفت و آمد طبقه متوسط و روشنفکران، نویسندگان، شاعران، روزنامه‌نویسان و سایر هنرمندان تبدیل می‌کند و با قشر وسیع‌تری از جامعه ارتباط می‌یابد (برگرفته از: اخوان لنگرودی، ۱۳۹۱). در دو دهه پایانی این دوره (پهلوی دوم) و به سبب توسعه شهر به سمت شمال شهر و انتقال بسیاری از کاربری‌ها به مکان‌های جدیدالاحداث، لاله‌زار به تدریج وارد دوره افول خود می‌گردد و از لحاظ طبقه اجتماعی و اقتصادی مراجعه‌کنندگان خود به نسبت دوره‌های قبلی، پذیرای اقشار

با پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ۱۳۵۷ ه. ش، خیابان «لاله زار» مورد بی‌مهری قرار می‌گیرد و به عنوان نمادی از تجلی کالبدی برآمده از ذهنیت حکومت پهلوی مورد انتقاد جدی قرار می‌گیرد. به طوری که این جزء از لاله زار به کلیت آن تعمیم داده شده و لاله زار مورد تعرض قرار می‌گیرد. تعرضی که از نتایج آن باید به تعطیلی

فرودست و تازه مهاجرانی می‌شود که حالا ایشان دغدغه تجربه مظاهر مدرنیته را داشتند (برگرفته از: پولادوند، ۱۳۹۱). به دنبال این تغییرات، منزلت کارکردی خیابان - فرهنگی، سیاسی، هنری و تجاری - نزول یافته و انبارها، کارگاه‌ها و مغازه‌های فروش کالاهای کم ارزش جایگزین آنها شدند.

جدول ۱- سیر تحول دو خیابان لاله زار و استقلال از شکل‌گیری تا به امروز.

شکل‌گیری	لاله زار	استقلال
شکل‌گیری	<p>- ۱۲۵۶ ه. ش توسعه تهران به دستور ناصرالدین شاه و ورود باغ لاله زار به داخل شهر،</p> <p>- ۱۲۷۰ ه. ش تاسیس خیابان لاله زار برطبق نقشه نجم‌الملک از بخش شمالی شرقی میدان توپخانه به سمت شمال شهر،</p> <p>- ۱۲۷۱ ه. ش سنگ فرش نمودن خیابان و تجهیز آن با چراغ برق، نیمکت و خط واگن اسبی،</p> <p>- ظهور کاربری‌های شهری جدیدی چون عکاسی، سالن‌های تئاتر و سینما، هتل کافه، رستوران، خیاط-خانه، گل فروشی و دیگر مغازه‌های خدماتی و فروش اجناس لوکس خارجی،</p> <p>- ۱۲۸۹ ه. ش آغاز عصر مشروطیت و بازگشت ایرانیان مقیم فرنگ به تهران و تبدیل لاله زار به محل حضور افراد روشنفکر و رواج گفتگو، مناظره و چاپ روزنامه و نیز پشتیبانی خیابان از مبارزات و اعتراضات،</p>	<p>- توسعه منطقه پرا واقع در شمال قسطنطنیه به واسطه پیشرفت رشد تجارت و مرادات خارجی طی قرن ۱۹ م،</p> <p>- ساماندهی محدوده بین میدان تقسیم و محله گالاتا توسط امپراطوری عثمانی در پی دستیابی به مرکزیتی مدرن،</p> <p>- سنگفرش نمودن خیابان و تجهیز آن با خدماتی مدرنی چون لوله‌کشی آب و گاز و روشنایی با چراغ‌های برقی،</p> <p>- استقرار کنسولگری‌های کشورهای خارجی، پاساژها، کافه‌ها، رستوران‌ها، تئاترها، بوتیک‌ها، بانک‌ها در خیابان،</p> <p>- ظهور ابنیه با معماری‌های تلفیقی عثمانی و نئوکلاسیک و نئوگوتیک،</p> <p>- ۱۹۱۳ م راه اندازی تراموای برقی در خیابان،</p> <p>- تبدیل خیابان به محل حضور اروپاییان، روشنفکران و اندیشمندان عثمانی،</p> <p>- دهه ۷۰ قرن ۱۹ م آتش سوزی و تخریب بخش عظیمی از منطقه،</p> <p>- بازنده‌سازی منطقه با مصالح سنگی منبعث از نمون‌های بیژانتین و عثمانی از لحاظ سبک و ابعاد،</p>
بسط و توسعه	<p>- ۱۳۰۴ ه. ش آغاز دوره سلطنت پهلوی اول با تاج‌گذاری رضا شاه پهلوی،</p> <p>- ۱۳۰۹ ه. ش فروریختن دیوارها دارالخلافه ناصری و توسعه تهران زیر نظر شهردار تیمسار بوذرجمهری،</p> <p>- امتداد و توسعه لاله زار از بخش شمالی خود از ابتدای خیابان شاه‌آباد (جمهوری) تا شاهرضا (انقلاب) و شکل‌گیری لاله زار نو،</p> <p>- ساخت ابنیه توسط معمارانی بنام، متأثر از جریان‌های فکری معماری آنروز جهان چون کنگره CIAM، مدرسه باهاوس و ...</p> <p>- رواج کافه‌نشینی به مثابه امری فرهنگی در خیابان با حضور افرادی سرشناسی چون صادق هدایت، مجتبی مینویی، بزرگ علوی، صادق چوبک و ...</p>	<p>- ۱۹۲۳ م آغاز جمهوری آتانورک</p> <p>- اعلام حکومت جمهوری در ۱۹۲۳ م و تغییر نام خیابان به استقلال به بهانه پاسداشت پیروزی در جنگ،</p> <p>- تبدیل خیابان به مدرن‌ترین و آلامدترین بخش شهر،</p> <p>- تبدیل به محل تجمع طبقه مرفه جامعه و روشنفکران به دلیل وجود زمینه فرهنگی-تاریخی و فعالیت‌های متنوع خیابان چون کافه‌ها، رستوران‌ها و فروشگاه‌های لوکس،</p>
دوره اوج	<p>- ۱۳۲۰ ه. ش ورود متفقین به تهران، تبعید رضاشاه و آغاز دوره سلطنت محمدرضا شاه پهلوی،</p> <p>- رواج آزادی‌های نسبی در شهر،</p> <p>- بسط و رونق فعالیت‌های فرهنگی، هنری و ادبی و توسعه تئاترها و سینماها،</p> <p>- افتتاح کلاس‌های آموزش موسیقی،</p> <p>- ساخت ابنیه با سبک معماری مدرن اولیه و توسعه پاساژها،</p> <p>- رونق کافه‌ها با حضور شاعران، نویسندگان و سایر هنرمندان سرشناس،</p> <p>- تشخیص و هویت یافتن خیابان لاله زار در تهران و کشور و پشتیبانی از کارکردهای متنوع،</p>	<p>- دهه ۱۹۵۰ م گسترش شهرنشینی، توسعه مناطق جدید و شکل‌گیری خدمات نوین در آنها،</p> <p>- مهاجرت ساکنان اصلی و قدیمی منطقه به مناطق جدید،</p> <p>- جایجایی و تعطیلی کاربری‌های قدیمی و افت کیفیت و تخریب ساختمان‌های خیابان،</p> <p>- مراجعه فقیران و مهاجرانی که از مناطق روستایی به شهر آمده بودند جهت اسکان در محله،</p> <p>- گسترش قمار، فحشا و مشاغل غیرقانونی در سطح منطقه،</p> <p>- دهه ۱۹۸۰ م تبدیل منطقه پرا (بی‌اغلو) به یک منطقه وامانده از چرخه توسعه و در حال احتضار با ساختمان‌هایی تخریبی، خالی و یا تغییر کاربری یافته به کارگاه و انبار،</p>
دوره افول	<p>- با شروع دهه ۴۰ ه. ش، افزایش روند شهرنشینی، توسعه تهران و انتقال فعالیت‌ها اداری و حکومتی به قسمت‌های جدید توسعه یافته در بخش شمالی شهر،</p> <p>- انتقال و جایجایی خانواده‌های قدیمی از لاله زار، محلات مجاور و بخش مرکزی تهران به سوی محلات تازه تاسیس شهر در بخش شمالی خیابان شاهرضا (انقلاب)،</p> <p>- استحصال کارکرد فرهنگی و معنایی خیابان به سبب تغییر مراجعان خیابان و خواسته‌های ایشان</p> <p>- استحصال مفهومی و کیفی سینماها، تئاترها و دیگر پانوق‌های خیابان به واسطه تغییر مراجعان و خواستگاه ایشان،</p> <p>- تنزل کافه‌های خیابان از مکانی با کارکردهای جریان‌ساز به مکانی‌هایی فاقد معنا،</p> <p>- هجوم فروشندگان کالاهای الکتریکی از دو خیابان پشت شهرداری و ناصر خسرو به محدوده لاله زار،</p>	

<p>۱۹۹۵-۱۹۸۷. م آغاز موجی از آگاهی‌رسانی در خصوص ارزش‌های منطقه و یادآوری گذشته استقلال به عنوان محوری فرهنگی، تاریخی و سیاسی،</p> <p>- خواست عمومی جهت بازگرداندن این خیابان تاریخی به شهر،</p> <p>- مطالعه، برنامه‌ریزی و مداخله مدیریت شهری در بازگرداندن خیابان به چرخه توسعه با مشارکت مردم،</p> <p>- تشویق و حمایت‌های حکومت محلی از رستوران‌ها، سینماها، کتاب‌فروشی‌ها، گالری‌ها و فروشندگان دوره‌گرد،</p> <p>- دعوت از صاحبان فعالیت‌ها و کاربری‌های قدیمی و هویت‌مند جهت حضور مجدد در خیابان،</p> <p>- راه‌اندازی مجدداً تراموا در ابتدای دهه ۹۰،</p> <p>- بازگرداندن رونق و پویایی زندگی شهری به خیابان،</p>	<p>بازسازی و بازنده سازی خیابان (دوره اول)</p>	<p>در سال‌های منتهی به دهه ۵۰ ه.ش، بالا گرفتن اعتراضات مردمی به حکومت پهلوی و شروع تظاهرات خیابانی،</p> <p>- ۱۳۵۷ ه.ش سرنگونی حکومت پهلوی، پیروزی انقلاب اسلامی و شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی ایران،</p> <p>- هجوم به خیابان لاله‌زار به عنوان تجلی کالبدی و عینی برجامانده از دوره حکومت شاهنشاهی، تخریب و تعطیلی مکان‌های ناهمسو تشخیص داده شده با روحیات انقلابیون، چون کافه‌ها، کاباره‌ها، سینماها و تئاترها،</p> <p>- ۱۳۵۹ ه.ش آغاز جنگ تحمیلی ایران و عراق،</p> <p>- تغییر فرآیند کاربری‌ها و تبدیل خیابان به صنف فروشندگان لوازم تجهیزات برق و الکترونیک،</p> <p>- تعطیلی تدریجی عموم فعالیت‌های فرهنگی-هنری خیابان در سال‌های جنگ و سال‌های پس از آن،</p> <p>- تخریب، عدم رسیدگی و تبدیل بسیاری از ابنیه واجد ارزش خیابان به پاساژ، پارکینگ، انبار و تولیدی،</p> <p>- مخدوش گشتن ذهنیت‌ها، هویت‌ها و خاطرات جمعی لاله‌زار به واسطه تخریب مکان‌ها، معانی و کلیت لاله‌زار،</p>	<p>استمرار افول</p>
--	--	--	---------------------

ذکر می‌کنند که خود مهر تاییدی بر مقبولیت کارکردی و عملکردی خیابان در شهر استانبول است.

مشاهدات توأم با مشارکت پرسه زن^{۳۶}، شامل شنیده‌ها و حکایت‌های متنوعی درباره خیابان است. گروهی از دانشجویان معماری دانشگاه بارسلونا که به استانبول سفر کرده بودند، اذعان می‌داشتند که مسحور سرزندگی و پویایی زندگی عمومی خیابان استقلال گشته‌اند و قطعاً برای حضور و تجربه خیابان «دلتنگ»^{۳۷} خواهند شد. کاربرد کلمه «دلتنگی» از جانب بسیاری از بازدیدکنندگان خیابان از جمله کلیدواژه‌گانی است که در مطالعات مربوط به «حس مکان»^{۳۸} به عنوان شاخصی مهم شناخته می‌شود. استفاده از این واژه برای بیان احساس شخص نسبت به خیابان، حکایت از موفقیت خیابان استقلال در تبدیل شدن فضا به مکان دارد. استقلال، امروزه خیابانی است فراچند بعدی که رخدادهای متنوعی را امکان‌پذیر می‌سازد. از تجربه‌های «ضروری»^{۳۹} تا تجربه‌های «اختیاری»^{۴۰} و تجربه‌های

سینماها، تئاترها، کافه‌ها و استودیوهای ضبط موسیقی و به قهقرا سپردن کلیت لاله‌زار اشاره نمود. خیابانی که از مقام دروازه ورود مدرنیته و محوری فرهنگی، هنری و روشنفکری در برهه‌ای از تاریخ ایران معاصر که از سوژه انسان مدرن ایرانی، سینما، تئاتر، موسیقی و معماری ایران پشتیبانی و حمایت می‌نمود، به انبار، خرابه و فروشگاه‌های تجهیزات الکتریکی بدل می‌گردد. خیابانی که امروزه مملو از خرابه‌های ارزشمند، اغتشاش بصری و مکان‌های تجاری بی‌معنا است. حال امروز لاله‌زار مبتنی بر هیچ منطقی قابل تحلیل نبوده و تنها می‌توان آن را به عنوان تلاشی جهت بی‌مکان، بی‌هویت و بی‌خاطره نمودن شهر معرفی نمود.

۳- پرسه زنی در دو خیابان

۱-۳ پرسه زنی در خیابان استقلال

خیابان استقلال به طول ۳ کیلومتر از پای مجسمه «آتاتورک»^{۴۱} واقع در میدان «تقسیم»^{۴۲} آغاز و تا ایستگاه مترو تونل در مجاورت برج «گالاتاتاور»^{۴۳} ادامه دارد. بافت شهری که خیابان در آن واقع شده، امروزه به عنوان بخش مهمی از مرکز تاریخی استانبول به شمار می‌آید که پس از اصلاحات جدید در سال‌های ابتدایی دهه ۱۹۹۰ م. به عنوان یکی از مهم‌ترین خیابان‌های «پیاده محور»^{۴۴} استانبول شناخته می‌شود.

خیابانی که به یمن ویژگی‌هایی چون دسترسی مناسب، انعطاف‌پذیری، ایمنی، سازگاری و بهره‌مندی از تسهیلات ویژه جهت پیاده‌روی از یکسو و حضور فعالیت‌های محلی و متنوعی چون قهوه‌خانه‌ها، بازارهای روزانه، کافه‌های قدیمی در کنار فعالیت‌های جهانی و نوینی از قبیل نمایندگی برندهای معتبر، بانک‌های جهانی، کافه کتاب‌هایی به سبک فرانسوی و سینماهایی با فیلم‌های روی پرده به روز سینمای جهان از دیگر سوی، زمینه‌های لازم برای حضور، مکث، پرسه‌زنی و بودن در میان دیگران را فراهم نموده است. مشاهدات پرسه‌زن در خیابان، حکایت از مراجعه گروه‌های مختلفی از خرده فرهنگ‌های سنی و جنسی و از ملل گوناگون به عرصه خیابان دارد. آمار رسمی تعداد این مراجعان را یک میلیون نفر در روز



تصویر ۵- موقعیت خیابان استقلال در حد فاصل میدان تقسیم تا برج گالاتاتاور.

عام و نفوذپذیری بصری، برونق و بویایی خیابان می‌افزایند. مکان‌های فراگیری که "الدنبرگ" آنها را با عنوان «مکان سوم»^{۴۵} خوانده و اهمیت آنها را در تقویت جامعه مدنی^{۴۶}، دموکراسی^{۴۷}، مشارکت مدنی^{۴۸} و تقویت حس مکان^{۴۹} ذکر می‌کند. فضاهایی که به عنوان نماینده جامعه در برابر قدرت‌های مدیریت شده قرار می‌گیرند و به بسط حوزه عمومی که به زعم یورگن هابرماس، مهر و نشانی از بویایی حیات مدنی است، کمک می‌رسانند.

در خصوص بررسی علل مقبولیت عام خیابان؛ مشاهده همراه با مشارکت پرسه‌زن حکایت از تأثیر به سزای وجود فضاهای هویت‌مند در خیابان دارد. فضاهایی که در دو دسته قابل معرفی‌اند: دسته اول: بناهای واجد ارزش معماری؛ چون پاساژ گل، بالیک بازار و کلیساها؛

دسته دوم: بناها و کاربری‌های واجد معنا و خاطره‌انگیز؛ چون مجسمه آتاتورک، کافه مارکیز^{۵۰} و پاساژ پارک اینالی و گالاتاتاور؛ فضاها و کاربری‌هایی که به مدد پیگیری‌های صورت گرفته، مشارکت مردمی و همراهی مدیریت شهری بار دیگر پس از ۳ دهه اغما، در سال‌های پایانی دهه ۹۰ جهت استفاده عموم به شهر بازگردانیده شدند.

حضور این بناها و کاربری‌ها در منظر خیابان استقلال در همراهی با روحیه جمعی و دمکرات خیابان، مسبب هویت و ارزشمندی خیابان برای جامعه استانبول شده است. بطوریکه خیابان استقلال در پیوند با میدان استقلال، امروزه مهم‌ترین خواستگاه بروز و ظهور ذهنیت جامعه استانبول فراتر از آن ترکیه شناخته می‌شود.

مکانی که از زندگی روزمره، هویت، خاطرات، ارزش‌ها، خواسته‌ها و اعتراضات مدنی جامعه ترک پشتیبانی و خوانشی ساختارمند را برای پرسه‌زن امکان‌پذیر می‌سازد. خوانشی که فارغ از چگونگی آن، عناصر و شخصیت‌های درگیر در آن به شدت شهری و برآمده از ذهنیت مشترکی از قواعد زندگی اجتماعی، ارزش‌های و فرهنگ جامعه استانبول است. خوانشی به روایت زیر:

«امروز استقلال در مرکزیت تاریخی شهر استانبول، خیابانی است پرافتخار که جامعه معاصر ترکیه به آن می‌بالد. اما بزرگ‌ترین

«اجتماعی»^{۴۴} که به زعم "یان گل"، دو تجربه موخر از اهداف غایی فضاهای عمومی به شمار می‌رود. تأیید این ادعا توصیف دست‌اولی چند سکانس مختلف از خیابان استقلال است که حاصل حضور، نشستن و نگرستن پرسه‌زن به خیابان است، توصیفات که از حیث اشتراک در ماهیت خود مشترک با توصیفات بسیاری دیگر از پرسه‌زنان خیابان می‌باشد. از قبیل:

«در استقلال می‌توان عابرین خوش‌پوشی را مشاهده نمود که به سرعت عبور می‌کنند تا سرعت زندگی مدرن را لمس کنند، گروه‌های دسته‌جمعی پسران و دختران که گوشه‌ای از خیابان را برای نشستن و دورهم بودن به یک پاتوق تبدیل کرده‌اند، زن میان‌سالی که برای نوه‌های خود در حال خرید بستنی است، دختری که روبه خیابان پشت یک صندلی لهستانی در پای پنجره سراسری کافه کتاب در حال خواندن کتاب است، معشوقه‌های جوانی که دست در دست یکدیگر، خنده بر لب ساعت‌ها را با یکدیگر می‌گذرانند. گروه موسیقی کوچکی شامل یک گیتار و یک ساز دهنی آنجا در عقب‌رفتگی ساختمان، سه زن و یک مرد سالمند در حال نوشیدن چای و بازی تخته‌نرد در جلوی آن قهوه‌خانه، آدم‌هایی خوشحال از یک خرید خوب در روزهای sale با ساک‌های رنگارنگ و زیبا، مردان و زنان آلامدی که گویا در حوزه اقتصاد فعال‌اند، گروهی که پس از نیایش با آرامش در حال خروج از کلیسا می‌باشند و صدای موزیک‌های اعجاب‌انگیز جاز و کلاسیک، واترژ و بیتلز، شرقی و غربی که از فروشگاه‌های لوازم موسیقی در مجاورت برج گالاتاتاور به گوش می‌رسند و در نهایت، **تراموای قرمز رنگی** که انگار از دنیای اسباب‌بازی‌ها خود را به خیابان رسانده تا زمان را درنوردد و دیروز را به امروز و امروز را به فردا پیوند بزند».

تجربه بی‌واسطه زندگی عمومی در خیابان استقلال، امکان خوانش معانی را فراهم می‌سازد. از جمله این معانی می‌توان به معانی منبعث از مکان‌های عمومی واقع در خیابان چون کافه‌ها، قهوه‌خانه‌ها و سایر پاتوق‌ها اشاره داشت. مکان‌هایی که در پیوند با زندگی روزمره خیابان و با بسط خود به شارع



تصویر ۶- خوانشی از استقلال.

محلی دوست داشتنی برای مراجعه هر روزه آدم‌هایی است که خواهان تنفس در اتمسفر شهری و تجربه زندگی روزانه‌اند. چراکه استقلال مکان حضور، مکان دیدن و دیده شدن است و اگر در آن حضور داشته باشی، دیده و خوانده می‌شوی. لذا تلاش گروه‌های مختلف جامعه ترک، سعی بر حضور پر قدرت تر در این عرصه از استانبول است.»

۳-۲- پرسه‌زنی در خیابان لاله زار

خیابان لاله‌زار به طول ۱/۶ کیلومتر در بخش ناصری تهران قدیم و در حد فاصل شمال شرقی میدان توپخانه تا خیابان انقلاب واقع است. خیابانی که در گوشه کنار خود، مکان‌های ارزشمند فراوانی را داراست. که از آن جمله باید به مکان‌های زیر اشاره نمود: «اولین هتل به سبک مدرن^{۵۳}، اولین سینما^{۵۴}، بناهایی از معماران به نام جهان^{۵۵}، خانه مردی که با گذشت قریب به صد سال کتاب او بعنوان ده رمان برتر سوررئال جهان شناخته می‌شود^{۵۶}، سینمایی که اولین فیلم ناطق فارسی زبان در آن اکران گردید^{۵۷}، کافه‌هایی که ادبیات معاصر ایران مدیون آنها هستند^{۵۸} و سالن‌های تئاتری که از تئاتر نوین ایران حمایت کرده‌اند.»

مکان‌هایی که امروز یا به طور کلی تخریب شده‌اند، یا در حال تخریب‌اند و یا زیر تابلوها، سیم‌ها و کابل‌های فشار قوی مدفون گشته‌اند. این لاله‌زار امروز است که به عنوان بورس تجهیزات برقی و الکتریکی شناخته می‌شود. کارکرد ناسازگاری که کلیت لاله‌زار را دچار هذیان نموده و هر روزه به بهانه توسعه «دود کرده و به هوا می‌فرستند هر آنچه را که روزی سخت و استوار بود.» جمله معترضه‌ای که «مارشال برمن»^{۵۹} آن را در خصوص تجربه مدرنیته به نقل از مارکس استفاده می‌کند. تجربه‌ای که در آن همه چیز آستن ضد خویش است (برمن، ۱۳۸۱، ۱۰۹). اما در لاله‌زار این کارکرد نه حاصل تجربه مدرنیته، بلکه حاصل قدرت‌گیری مجدد سنت بر جریان مدرنیته است.

مشاهدات همراه با مشارکت پرسه زن در خیابان؛ حکایت از عدم آگاهی و شناخت عموم نسبت به گذشته تاریخی - فرهنگی، هویتی و ارزش‌های نهفته در لاله‌زار دارد.



تصویر ۸- رویش گل در خیابان لاله‌زار ۱۳۹۲.

افتخار استقلال، نه تلاشی بی‌چون و چرا جهت پذیرش مدرنیته، استاندارددگرایی جهانی و صنعت فرهنگ^{۶۱}، که حفظ میراث گذشته و حمایت از خاطرات و هویت‌ها در قالبی هم‌پیوند با زندگی روزمره مردم است. از این رو، استقلال نه یک موزه، نه یک نوستالژی^{۶۲} و نه یک تلاش برای غیرخودی بودن، بلکه خود عصرت است، خود بودن در زمان حال با احترام و پذیرش جهان برای دیدن و بهره‌بردن از این حیات مدنی. با حضور در خیابان استقلال می‌توان توامان جهانی - محلی فکر، رفتار و خاطره بازی کرد. استقلال در پیوند با میدان تقسیم، ظهور و تجلی امروزین جامعه ترک بدون هرگونه بزگی است. اینگونه است که استقلال



تصویر ۷- موقعیت خیابان لاله‌زار در حد فاصل خیابان انقلاب و میدان امام خمینی.

می‌خواهد دیدن یک مکان هویت‌مند، بنایی واجد ارزش، یک کاشی‌کاری و یا یک گل روییده کنار پیاده‌رو خیابان بشد. گلی که بیش از ۱۲۰ سال مدفون گشتن در زیر سنگفرش‌ها و آسفالت‌ها، قدرت رویش دوباره دارد. رویشی که تمثیل‌وار فریادی است جهت توجه به لاله‌زار در حال احتضار، لاله‌زاری که چه خوب و چه بد، نماینده مکانی بخش اعظمی از رویدادها و خاطرات تاریخ معاصر تهران و ایران بوده و هست. خیابان لاله‌زار در شرایط حاضر بضاعت اندکی در پشتیبانی از فعالیت‌های «اختیاری» و «اجتماعی» دارا بوده و آنچه که در حال رخداد است، اغلب فعالیت‌های «ضروری» است. فعالیت‌هایی که به زعم «یان‌گل» فارغ از کیفیات فضا، در هر شرایطی امکان رخداد آنها وجود دارد. در این میان، تنها پرسه‌زنان گاه و بیگاهی را می‌توان در لاله‌زار مشاهده نمود که در

با اینکه بسیاری از مراجعان خیابان، مراجعه هرروزه به خیابان و بافت پیرامون آن به سبب کسب و کار خود دارند اما آگاهی از استقرار ارزش‌های نهفته و روایت‌های موجود در خصوص خیابان، حداقلی است و هنگامیکه پرسه‌زن توجه ایشان را به این ارزش‌ها جلب می‌نماید، با حالت تعجب سوال می‌کنند «چرا تاکنون متوجه نشده بودم؟»

این عدم توجه به یک معنا، هویت و یا یک مکان از جانب حاضران، فارغ از نام و کارکرد آن، در واقع امر، بازگوکننده عدم اجازه درک و خوانش خیابان از جانب عوامل و نیروهای شکل‌دهنده امروز آن است. چراکه آنچه امروزه به لاله‌زار شکل می‌دهد نه نظم، بلکه اغتشاش است. لاله‌زار امروز معبری جهت گذر صرف، فارغ از حس، تأمل و درک است. حال



تصویر ۹- خوانشی از لاله‌زار.

را می‌فروشد، مردی ایستاده در برکوپه ملی که گویی صاحب تمامی لاله‌زار است، زوج‌های جوانی که برای روشنایی مسکن خود در این خیابان سیاه به دنبال نور به همه‌جای آن سرک می‌کشند تا لوستری بخرند، بدون آنکه بدانند کجایند!»

در پس این اتفاقات روزانه، معنایی که از منظر عمومی لاله‌زار منعکس می‌شود، «بی‌معنایی»^۴ است. بی‌معنایی که حاصل تناقض است. تناقضی که حاصل بی‌خردی و بی‌خردی که حاصل آگاهی است. آگاهی از تخریب هدفمند خیابانی که معرف بخشی از رخداد‌های سیاسی، فرهنگی، ادبی و هنری تاریخ معاصر ایران است. حاصل این بی‌معنایی، صدور مجوز تخریب خیابان است. خیابانی که گویی در نظر شهرنشین با خیابانی در شهر جدید پردیس، هشتگرد و یا پرند از حیث معنا همسنگ بوده و فرقی نداشته، همگی بی‌خاطره، بی‌هویت و بی‌تاریخ‌اند.

از پس چنین مشاهداتی از خیابان، خوانشی که از لاله‌زار برای پرسه‌زن حاصل می‌گردد، چنین است:

«لاله‌زار امروز، خیابانی است که در عینیت خود "لاله‌زار" نیست بلکه در توصیفی واقع‌گرایانه "لاله" آن رفته و تنها "زار" آن باقی مانده است. "زاری" که شکل گرفته از هجوم موتور، ماشین، بوق، دود، فروشگاه‌های بزرگ کابل و سیم، لامپ، کلیدهای ON و OFF که عینیت زندگی مشوش هر روزه خیابان توسط آنها روشن و خاموش می‌شوند، بوی ساندویچ‌های خوشمزه اما کثیف، ساختمان‌های زیبا اما پیرکه ادعای نمایندگی معماری مدرن را دارند، پاساژهای زشت اما جوان که نماینده بورژوا هستند، مردانی از جنس گذشته و وامانده در خاطرات، بناهای مخروبه و فرو ریخته، هتل مبدل به انبار، سینما، تئاتر و باز سینما اما همگی با قفل‌های بزرگ، پول، سوداگری، سرمایه‌داری، بزرگ، توسعه و سایه قدرت می‌باشد».

از این رو است که پرسه‌زنی در لاله‌زار کار دشواری است و فقط به کار کسانی می‌آید که دغدغه ذهنی آن را دارند. خیابانی که در آن ذهنیت‌ها به جای دست‌یابی به مازادها، منتهی به کلماتی چون آه، افسوس و چرا؟ می‌گردند.

پی‌فعالیت‌های «اختیاری» به آن مراجعه می‌کنند. در تحلیل این حضور و فعالیت، باید اذعان نمود که آنچه سبب حضور این افراد در لاله‌زار می‌شود، فارغ از ویژگی‌های یک فضای عمومی موفق که لاله‌زار فاقد آنها است، میل به خاطره‌بازی و کشف و شهود است.

مشاهده توأم با مشارکت به معنی حضور فعال محقق در فضای مورد بررسی، حکایت از تعلیق تمامی معانی و ارزش‌های این خیابان قدیمی تهران دارد. تعلیقی که به واسطه حذف تمام و کمال ویژگی‌های کارکردی و عملکردی لاله‌زار به واسطه تعطیلی تمامی سینماها، تئاترها، تخریب ابنیه واجد ارزش، تبدیل شدن هتل‌ها و کافه‌ها به انبار و کارگاه، و محاصره همه جانبه خیابان توسط فروشگاه‌های کابل فشارقوی برق، قرقره سیمی، لامپ، پریز و لوستراست. تایید این ادعا توصیف دست اولی چند سکانس مختلف از خیابان لاله‌زار است که حاصل حضور، نشست و نگریستن پرسه‌زن به خیابان است. توصیفاتی که از حیث اشتراک در ماهیت خود مشترک با توصیفات بسیاری دیگر از پرسه‌زنان گاه و بیگاه خیابان است. توصیفات چو:

«جرثقیل‌هایی که زودتر از همه در خیابان برمی‌خیزند و گذشته را بدون چشم داشت تخریب و آینده را با پاساژهای دائم‌التزاید می‌سازند، شاگرد مغازه‌هایی که با شروع روز، آسفالت پیاده‌روی جلوی فروشگاه‌ها را آب و جارو می‌کنند، مردانی که در کسوت پیک موتوری، سوار بر مرکب خود در حال جابجایی حجم عظیمی از کالاهای باشند، پیرمردی که در گوشه پیاده‌رو بساط فروش سیگار، خودکار، نخ و سوزن پهن نموده و با بغض به خیابان و حاضران آن می‌نگرد که گویی چیزی را از او ربوده‌اند، مردی که آنجا، در عقب رفتگی سردر سینما پناه گرفته و در حال قیلوله است، مردانی که پس از عبادت ظهرگاه در حال خروج از مسجد کوچک هدایت با هم خوش و بش می‌کنند، پیرزن گدایی که گویی همه کاسبان او را می‌شناسند و در ظهر پنجشنبه مقرری خود از فروشندگان را طلب می‌کند، مرد دوره‌گردی که با ضبطی آویزان به گردن ضمن پخش آهنگ‌های قدیمی، کپی دست‌هزرمی آهنگ‌های لاله‌زاری

نتیجه

استانبول کاری سهل و در تهران کاری دشوار است، معانی در استانبول خوانا ولی در تهران مخدوش‌اند». این سنگینی کفه ارزیابی شاخص‌های مورد بررسی تنها به نفع یک شهر (استانبول)، تایید و تصدیق از ناکارآمدی سازوکارهای شهر دیگر (تهران) است.

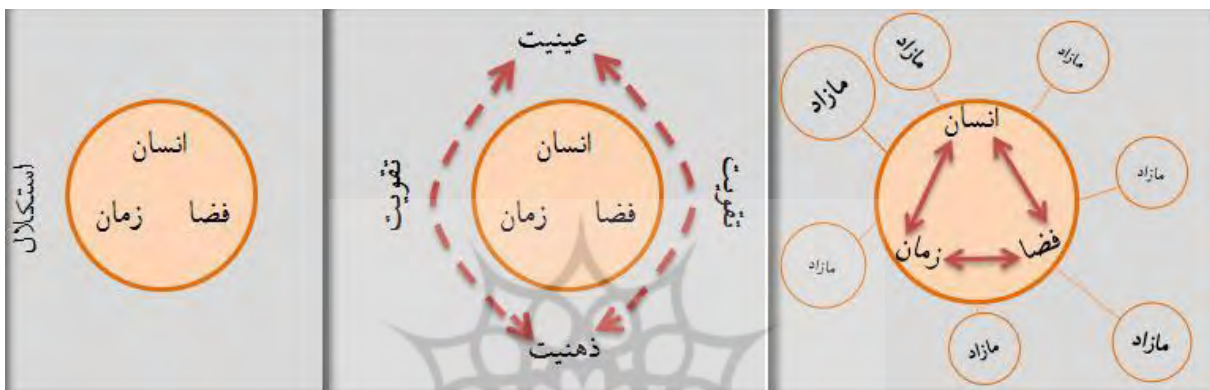
از جمله مصادیق این ناکارآمدی شهر تهران باید به فضاهای شهری فقیر و معیوب آن اشاره داشت. فضاهایی که به نقل از لافور، تنها به مثابه ظرفی نبوده که روابط شهر در آن جریان می‌یابد، بلکه خود روابط در شهرها هستند. به واسطه فرم و کارکرد همین فضاهای معیوب شهری، استفاده از این فضاها از مقبولیت عام برخوردار نبوده و شهرنشین‌های تهران از فضاهای خصوصی و نیمه خصوصی است که حمایت و پشتیبانی می‌کند. اما آنچه که ناکارآمدی فضاهای شهری در تهران را ساخته و

پرسه‌زنی و تجربیات دست اولی در خیابان‌های منتخب دو شهر استانبول و تهران، حکایت از خوانش‌هایی متفاوت دارد. امری که در ظاهر منطقی به نظر می‌رسد. چرا که دو جامعه متفاوت، با فرهنگ متفاوت، در دو زیست‌بوم جدا از هم مورد بررسی قرار گرفته‌اند لذا منطقی است که هر یک «شهر خود، فضای خود و کنش اجتماعی ویژه خود» را شکل دهد. ادعای دوپهلویی که نمی‌بایست مورد قضاوت نادرست قرار گرفته و تاییدی برگرفته لافور؛ مبنی بر اینکه «هر جامعه‌ای فضای خود در طول تاریخ را شکل می‌دهد» باشد.

چراکه پرسه در دو شهر «امکان تجربه و بازخوانی خاطره در بستر جریان زندگی روزمره را در استانبول میسر و در تهران کم‌ممکن نشان می‌دهد، عینیت‌ها و ذهنیت‌ها در استانبول با قرابت نسبی و در تهران با افتراق مواجه‌اند، پرسه‌زنی در



تصویر ۱۰- چرخه تخریبی حاصل از افتراق عینت‌ها و ذهنیت‌ها در خیابان لاله‌زار و تخریب مفاهیم انسان، زمان و مکان در آن.



تصویر ۱۱- چرخه کارکردی حاصل از قرابت عینت‌ها و ذهنیت‌ها در خیابان استقلال و تقویت مفاهیم انسان، زمان و مکان در آن.

می‌روند. این ادعا در تهران در دوره‌های مختلف تاریخی با مصادیق فراوانی، قابل ردیابی است. خیابان «لاله‌زار» تنها نمونه‌ای از این ادعا است. خیابانی که عینیت آن در دو دهه‌ی منتهی به انقلاب پا به میان‌سال‌ها گذاشت و پس از انقلاب گرد پیری را بر جان و روح خود مشاهده نمود. پیرخیابانی که با حُب و بُغض مورد بی‌مهری قرار گرفت. اینگونه است که گویی قریب به سه دهه «عینیت لاله‌زار در اغما» به سر می‌برد. چراکه در نزد تصمیم‌گیر شهری، لاله‌زار کلبه‌ای از یک معلول ذهنی به جا مانده از گذشته است. گذشته‌ای که در آن لاله‌زار نه محل رویش لاله، نه محل زایش و خاستگاه انسان مدرن، نه اصلی‌ترین محور فرهنگی پایتخت، نه محل تولد سینمای ایران بلکه مکان گنج رفتاری‌های به جای مانده از سلسله پهلوی است. از پس این جنس توصیفات درخصوص لاله‌زار است که تصمیم‌گیر شهری حکم به تخریب و بازتخریب لاله‌زار داده و خیابان را به عنوان نمادی از تجلی کالبدی حکومت‌های گذشته مجازات می‌کند. حاصل کارکردی «عینیت مخروب» امروز لاله‌زار در کنار «ذهنیت منفی» به آن در نزد بخشی از تصمیم‌گیران شهر، قدرت یافتن چرخه تخریبی در خیابان است که در یکسوی آن عینیت‌ها و در سوی دیگر آن ذهنیت‌ها وجود دارند و آنچه که در این میان تخریب می‌گردد، «انسان»، «زمان» و «مکان» است. نقطه مقابل خیابان لاله‌زار در تهران، خیابان استقلال در استانبول است. خیابانی که به واسطه آگاهی‌رسانی به مدیران

برساخته می‌سازند، مجموعه عوامل فراچند بعدی است که در روابطی چند سویه بر یکدیگر اثرگذار و از یکدیگر اثرپذیرند. با این وجود در معرفی یکی از مهم‌ترین عوامل موثر در ناکارآمدی فضاهای شهری تهران باید به نگرش‌های ذهنی نسبت به این فضاها اشاره داشت. فضاهایی که در مواردی از حیث عینیت با مقبولیت عام برخوردارند، اما نباید فراموش گردد بخشی از آنچه که به فضا، معنا و کارکرد می‌بخشد نه عینیت بلکه در ساحتی اول‌تر ذهنیت‌ها نسبت به فضا است. چرا که ذهنیت‌ها می‌توانند موجبات تحقق و عدم تحقق بسیاری از تجربه‌ها و رخدادها در فضاهای عمومی را برای شهرنشین به ارمغان آورده و یا از رخدادهایی در آنها جلوگیری نمایند. در راس این ذهنیت‌ها، ذهنیت تصمیم‌گیران شهری است که هر یک خود طرفدار «گفتمان شهری» خاصی برای تهران هستند. گفتمان‌هایی چون: تجدیدطلب، سنت‌طلب، هویت‌خواه، اصول‌گرا، فردیت‌خواه، فرهنگی و... که همگی از جذابیت‌ها و الزامات خاص خود در متروپلی چون تهران برخوردارند. اما این جذابیت و الزام تا جایی قابل قبول است که گفتمانی به هژمونی بدل نگردد. تهران به عنوان مادرشهر شهرهای ایران عرصه بحث برانگیزی است که آن را چون بسیاری از دیگر شهرهای بزرگ کشورهای در حال توسعه به مفهومی سیاسی بدل می‌کند. مفهومی که عرصه کشمکش‌های افراد، قدرت‌ها و معانی است. کشمکش‌هایی که تا تخریب کامل مکان‌ها و معانی شهر از یکسو و از دیگر سوی ساخت و برساخت مکان‌ها و معانی خودی در شهر به پیش

از پس مورد «تجربه زیسته» واقع شدن استقلال، خیابان به مازادهایی دست می‌یابد که آن را از متن زندگی روزمره به ساحت‌های تامل نظری، ادبی و هنری و حتی سنگر مقاومت‌های اجتماعی ارتقاء می‌دهد. اتفاق ارزشمندی که رخداد آن برای خیابان لاله‌زار و شهر تهران با تشکلت و پراکندگی همراه است. چرا که مورد تجربه‌ی زیسته قرار گرفتن شهر نیازمند فضا است و فضا یعنی قدرت و بی‌فضایی در مقابل آن سیاستی جهت بی‌اثر کردن قدرت فضا در شهرها است.

شهری و تلاش و پیگیری‌های ایشان در مشارکت با شهروندان توانست پس از طی دوران حسیض خود بار دیگر قدرتمندتر از تمام ادوار گذشته در شهر حضور یافته و در مقام فضایی عمومی به تقویت و بسط حوزه عمومی جامعه ترک کمک رساند. مبتنی بر همسویی عینیت‌ها و ذهنیت‌ها در خیابان استقلال «انسان» و «زمان» نیز در آن حضور توأمان می‌یابند. «تجربه» و «خاطره» از تجرید ذهن به عینیت بدل شده و بعد ادراکی خیابان تقویت می‌گردد. بطوریکه استقلال به «تجربه زیسته» بدل می‌گردد.

پی‌نوشت‌ها

و پیدایش فضاهای جدید شهری و به‌ویژه مفهوم «خیابان» مطرح گردید اما امروزه در مباحث مربوط به پدیده‌ی مدرنیته جایگاه ویژه‌ای را کسب نموده است ۳۱ کشورهای که زادگاه مدرنیته نبوده‌اند، کشورهای توسعه نیافته جهان سوم. در شهرهای جنوبی چون ژاپن، چین، ترکیه به این مفهوم پرداخته شده است از جمله مطالعات نیلوفر گله جامعه شناس ترک: بررسی دوره مدرنیزاسیون اقتدارگرایی آتاتورک تا دوره اخیر.

۳۲ پنج محله به نام های ارگ، بازار، چاله میدان، عودلاجان و سنگلج.
۳۳ کنسرت‌هایی از عارف قزوینی و نمایش‌هایی از میرزاده عشقی در گراند هتل به اجرا در می‌آمدند.
۳۴ دفتر مجله صبا، روزنامه باختر و روزنامه کیهان از جمله روزنامه‌های بودند که در این خیابان به چاپ می‌رسیدند.
۳۵ مجسمه آتاتورک، که به دست مجسمه ساز ایتالیایی، پترو کانونیکا در سال ۱۹۲۸ ساخته شده و توصیف کننده آتاتورک، سیاستمدار و مؤسس جمهوری جدید ترکیه، در میدان تقسیم است.

36 Taksim.
37 Galata Tower.
38 Pedestrian Oriented.

۳۹ حاصل گفت و گو با مراجعان خیابان.

40 Nostalgic.
41 Sence of Place.
42 Nessecery.
43 Optional.
44 Social.
45 Third Places.
46 Civil Society.
47 Democracy.
48 Civic Engagement.
49 Sense of Place

۵۰ به عنوان مکان گردهم آیی روشنفکران جامعه ترک در طول دهه‌های ۱۹۴۰ تا ۱۹۷۰.

۵۱ «صنعت فرهنگ» بیانگر کامل از خود بیگانگی مدرن محسوب می‌شود و تتودور آدورنوا این اصطلاح را در مورد تمامی آثار هنری. اجتماعی ای که برای بازار ساخته می‌شوند به کار می‌برد.

52 Nostalgic.

۵۳ گراند هتل.

۵۴ اولین سینما در ایران به نام «سینما خورشید».

۵۵ معماران به نامی چون: وارطان آوانسیان، میناسیان و...

۵۶ اشاره به رمان «بوف کور» صادق هدایت.

۵۷ اشاره به اکران «فیلم دختر لر» در سینما مایاک.

۵۸ کافه‌هایی چون پارس، لقاظه، آگاف، لاله‌زار، رزنوار، بولوار و ...

59 Marshal Berman.

60 Irrational.

1 Jean-Jacques Rousseau.

2 Jan-Gehl.

3 Matthew Carmona.

۴ شهر خلاق شهری است که نه تنها سرمایه فرهنگی در آن از اهمیت و گستردگی بیشتری برخوردار است، بلکه سرمایه‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی نیز به سهولت می‌توانند به سرمایه فرهنگی تبدیل شوند و بالعکس.

5 Henri Lefebvre.

۶ مفهوم گفتمان یکی از مفاهیمی است که در چند دهه اخیر و در پرتو اندیشه‌های میشل فوکو، نقش کلیدی در مطالعات اجتماعی و انسانی داشته و به خصوص در تجزیه و تحلیل مطالعات شهری از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

7 Public Life.

8 Public Sphear.

9 Public Space.

۱۰ قطعاً در مقام ارزیابی، مقایسه یک شهر با شهری مبتنی بر روش شناسی‌های خاص خود امکان پذیر است اما در مواردی به دلیل جهان‌های فکری متفاوتی که شهرها در آنها واقع می‌تواند منتج به نتایج معکوسی گردد. به عنوان مثال در ذیل چه مفاهیمی می‌توان تهران را با لاس وگاس یا آکلند یا پاریس مقایسه نمود که واقعیات را و نه حقایق را بازگو نماید. با این حال، می‌توان از استانبول به عنوان شهری یاد کرد که اشتراکات زیادی را با کلیت شهر ایرانی دارا است. با این حال نگارندگان به خود اجازه مقایسه این دو شهر را نداده و تنها نوشتار با تجربه دو شهر درصد ارایه خوانشی از قرابت‌ها و افتراق‌های ذهنی و عینی هر یک از دو شهر در ذات و متن خود بوده است.

11 Text.

12 Phenomenology.

13 First Person.

14 Existansial.

15 Hermentic.

16 Social Network.

17 Public Sphere.

18 Stamping Ground.

19 Social Value.

20 Civil Society.

21 Everyday Life.

22 Flaneur.

23 General Supervision.

24 Authority.

25 Georg Simmel.

26 Walter Benjamin.

27 Pierre Bourdieu.

28 Jürgen Habermas.

29 Baudelaire.

۳۰ مفهوم پرسه‌زن را می‌باید مفهومی مدرن به شمار آورد که با انقلاب صنعتی

فهرست منابع

- Appleyard, D (1981), *Livable Streets*, CA: University of California Press, Berkeley.
- Carmona, Heath, T. Oc, T. & Tiesdell, S (2003), *Urban Places Urban Spaces*, Architectural Press.
- Chekki, D (Ed.) (1994), *The Community of the Streets*, CT: Jai Press, Greenwich.
- Elden, Stuart (2006), *Understanding henri Lefebvre theory and the possible*, british library cataloguing - in - publication data.
- Ervin, Garip et al. (2013), A Comparative parative analysis of urban arcades in "ISTIKLAL STREET" ISTANBUL AND AN EVALUATION OF THEIR POTENTIALS OF USE, Proceedings of the Ninth International Space Syntax Symposium Edited by Y O Kim, H T Park and K W Seo, Seoul: Sejong University. Available from http://www.sss9.or.kr/paperpdf/ussep/SSS9_2013_REF099_P.pdf. Accessed November, 10, 2013.
- Gehl, J. (1987), *Life Between Buildings*, Van Nostrand-Reinhold, New York.
- Gehl, John (2002), *Public Space and Public Life*, City of Adelaide.
- Girardelli, Paolo (2013), *The history of the Merkez Han*, Available from: [cac.ku.edu.tr/sites/rcac/The History of Merkez Han.pdf](http://cac.ku.edu.tr/sites/rcac/The%20History%20of%20Merkez%20Han.pdf), Accessed November, 10, 2013.
- Jacobs, J. (1961), *The Death and Life of Great American Cities*, Vintage Books, New York.
- Jacobs, A. (1993), *Great Streets*, MA: The MIT Press, Cambridge.
- Kocabicak, Abicak, Evren (2003), Locating Third Space in the Specificities of Urban: A Case Study on Saturday Mothers, in *Istiklal Street Istanbul*, Available from: etd.lib.metu.edu.tr/upload/130766/index.pdf. Accessed November, 10, 2013.
- Lefebvre, H (1991), *The Production of Space*, Oxford, Basil Blackwell.
- Lofland, L (1998), *The Public Realm: Exploring the City's Quintessential Social Territory*, Aldine De Gruyter, New York.
- Madanipour, Ali (2010), *Whose public space?*, Routledge, London.
- Oldenburg, Ray (1989), *The Great Good Place*, Marlowe & Company, New York.
- Rudofsky, B (1969), *Streets for People*, Doubleday, New York.
- اخوان لنگرودی، مهدی (۱۳۹۲)، *از کافه نادری تا کافه فیروز*، انتشارات مروارید، تهران.
- برمن، مارشال (۱۳۸۶)، *تجربه مدرنیته*، مراد فرهادپور، انتشارات طرح نو، تهران.
- پاموک، اورحان (۱۳۹۱)، *استانبول خاطرات و شهر*، شهلا طهماسبی، انتشارات نیلوفر، تهران.
- پرتوی، پروین (۱۳۸۶)، *تحقیق کیفی در مطالعات هنری با تاکید بر شیوه‌های گردآوری داده‌ها تحلیل محتوا و تجزیه تحلیل تطبیقی*، پژوهشنامه فرهنگستان هنر، شماره ۳، صص ۲۳-۸.
- پرتوی، پروین (۱۳۸۷)، *پدیده‌شناسی مکان*، انتشارات فرهنگ و هنر، تهران.
- پولادوند، محمدرضا (۱۳۸۹)، *سی سال محکومیت لاله‌زار*، انتشارات جمهوری، تهران.
- تکمیل همایون، ناصر (۱۳۷۷)، *تاریخ اجتماعی و فرهنگی تهران*، انتشارات دفتر پژوهشهای فرهنگی، تهران.
- جایی مقدم، مرتضی هادی (۱۳۸۴)، *شهر و مدرنیته*، انتشارات فرهنگستان هنر، تهران.
- حبیبی، سید محسن (۱۳۸۷)، *از سار تا شهر*، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- زیمل، گئورگ (۱۳۸۵)، *کلانشهر و حیات ذهنی*، ناصرالدین غراب، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۱۸، صص ۵۹-۵۲.
- شهری، جعفر (۱۳۶۹)، *تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم*، موسسه خدمات فرهنگی رسا، تهران.
- شهری، جعفر (۱۳۸۳)، *تهران قدیم*، انتشارات معین، تهران.
- فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۹۲)، *فرهنگ و شهر*، انتشارات تیسرا، تهران.
- فکوهی، ناصر (۱۳۸۳)، *انسان‌شناسی شهری*، انتشارات نی، تهران.
- کاظمی، عباس (۱۳۸۷)، *مطالعات فرهنگی*، مصرف فرهنگی و زندگی روزمره در ایران، جهاد دانشگاهی واحد تهران.
- محمدزاده مهر، فرخ (۱۳۸۲)، *میدان توپخانه تهران*، انتشارات پیام سیما، تهران.
- منصوررضایی، مجید (۱۳۸۹)، *دریچه‌ای به منظر شهری در اغماء*، با کنکاشی در محور زمان، سخنرانی در اولین همایش ملی منظر شهری، تهران.
- میرسپاسی، علی (۱۳۸۴)، *تاملی در مدرنیته ایرانی*، ترجمه: جلال توکلیمان، انتشارات طرح نو، تهران.
- نیکروح، احمد (۱۳۹۱)، *خیابان لاله‌زار تهران مانند خیابان پنجم نیویورک است*، *مجله ملی جغرافیایی آمریکا*، روزنامه شرق، ۱۹ تیر.
- هابرماس، یورگن (۱۳۸۶)، *دگرگونی ساختاری حوزه عمومی: کاوشی در باب جامعه بورژوازی*، ترجمه: جمال محمدی، نشر افکار، تهران.
- ولی‌زاده ارجمند، احد (۱۳۸۷)، *هتل لاله و وارطان هوانسیان*، دو ماهنامه معمار، شماره ۵۳، صص ۲۷-۲۴.
- Adnan Adana1, Yaşar (2011), *De-spatialized Spaces as Neoliberal Uto-*